

مفهوم‌شناسی قومیت و اقلیت قومی به عنوان عنصری از جامعه سیاسی (به همراه شاخص‌های علمی برای تشخیص میزان و شدت قومیت)

تقی دشتی^۱

چکیده

ابهام در مفهوم قومیت و اقلیت قومی، تعامل دولت‌ها با گروه‌های قومی را با مشکل مواجه کرده است. به همین دلیل اساسی‌ترین اقدام برای تعیین عالمانه و هنجارمند حقوق اقلیت‌های قومی در یک جامعه سیاسی، تبیین مفهوم و حدود و ثغور معنایی اصطلاحاتی مانند قوم، قومیت، گروه قومی و اقلیت قومی می‌باشد. این تحقیق درصدد است تا پس از بیان معانی لغوی و اصطلاحی قومیت و ارائه پیشینه بحث، تعاریف مطرح در مورد قومیت را بیان و در ادامه یک تعریف جامع و مناسب را در این راستا (به عنوان یک عامل چالش‌زا در جوامع سیاسی مدرن) انتخاب کند. همچنین شاید برای اولین بار اقدام به ارائه جدول حاوی شاخص‌هایی برای تعیین میزان و شدت قومیت نموده است. در این راستا و برای تبیین بهتر مفهوم قومیت به بیان درجات قومگرایی نیز مبادرت کرده است. در نهایت با تلفیق تعاریف دو عبارت قومیت و اقلیت، اقلیت قومی نیز تعریف شده‌اند.

۱. دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران t_d_dashy@yahoo.com

واژگان کلیدی: قوم، قومیت، اقلیت قومی، جامعه سیاسی

مقدمه

انسان‌ها معمولاً در طیفی از جوامع گوناگون زندگی کرده و از تنوع و گوناگونی هویت‌ها برخوردارند. این ویژگی‌ها (گوناگونی جوامع و تنوع هویت‌ها) بدون اشکال و دشواری زیاد، به طور همزمان حفظ شده‌اند. به عبارت روشن‌تر، افراد توسط مولفه‌های هویت بخشی مانند خانواده‌ها، روستاها، شهرها، مناطق، طبقات، گروه‌های مذهبی، قومی و ملی و... تعیین هویت شده‌اند. یعنی، هویت امری «موقعیتی» است و اگر تمرکز و توجه به سمت سطح اجتماعی تغییر داده شود، ابعاد خاصی از هویت‌های جمعی اهمیت بیشتری می‌یابند. هویت فرهنگی اجتماعی ویژه و مخصوصی که این جا مدنظر است، قوم یا جامعه قومی است.

اما مفهوم گروه قومی و قومیت از ابهامات زیادی برخوردار بوده و تشخیص هویت قومی به سادگی میسر نیست. به بیان دیگر گروه‌های اجتماعی و قومی در واقع در مجموعه‌های گنگ جای می‌گیرند. سوالاتی که برای زدودن این ابهام مطرح می‌شود، عبارتند از؛ مفهوم دقیق قوم، قومیت و گروه قومی چیست؟ کدام گروه موجود در جامعه سیاسی را می‌توان گروه قومی و به تبع آن اقلیت قومی نام نهاد؟ منشأ شکل‌گیری اقوام و اقلیت‌های قومی، چه مولفه‌هایی هستند؟ با چه شاخصه‌هایی می‌توان قومی را از قوم دیگر تشخیص داد و یا درجه و شدت قومیت را معین نمود؟ همچنین اقلیت قومی که تلفیقی از دو اصطلاح مبهم «اقلیت» و «قومیت» است، چه تعریفی دارد؟ پاسخ به این سوالات نیاز به تعمق، کنکاش و پژوهش دارد. پس این مقاله قصد دارد تا حد امکان واکاوی دقیقی از این عبارت ارائه دهد تا در وهله اول به روشن‌تر شدن آن و سپس به فهم مطالب پیوسته و وابسته به آن کمک کند.

بند اول: تعریف لغوی قوم، قومیت و مشتقات آن

کلمه قوم یا Ethnie در فرانسه و Ethnic در انگلیسی از ریشه یونانی Ethnikos مشتق شده است. اگرچه در ترجمه برخی از مشتقات این کلمه (از جمله Ethnology و یا Ethnography) واژه «مردم» به جای واژه «قوم» به کار برده می‌شود،^۱ اما در اغلب موارد از واژه قوم در ترجمه فارسی استفاده شده است. فرهنگ فارسی معین، در مورد واژه «قوم» گفته است: «گروه مردم (از زن و مرد)، کسی که با شخصی قرابت داشته باشد، خویشاوند، اقوام». در «فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی» آریان پور، Ethno به عنوان پیشوند به کار رفته و به معنی «نژاد» و «مردم» و «فرهنگ» و «وابسته به نژاد» بیان شده است. Ethnology نیز نژاد شناسی، قوم شناسی، علم مطالعه نژادها و قوم‌ها معنی شده است. از نظر وبستر قومیت (اسم) یعنی: خصوصیت قومی یا خویشاوندی قومی، ملی، نسلی (تناسلی)

بند دوم: مروری بر اصطلاح قوم و گروه قومی در روند تکوین جوامع سیاسی

«در یونان باستان واژه Ethnos به قبایل کوچنده‌ای اطلاق می‌شد که هنوز در شهرها یا پولیس‌ها مستقر نشده بودند» (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۳) که در قرون وسطی نیز وضعیت تفاوت عمده‌ای نکرد و کلیسا همه غیرمسیحیان را جزو جهان کفر و در خور نابودی دانسته و کلمه Ethnic نوعی توحش و کفر معنی می‌داد... (همان). این غیر پنداری مردمان دیگر در عصر جدید ادامه یافت و بعدها در زبان انگلیسی واژه Ethnic عمدتاً به اقلیت‌های غیرآنگلوساکسون در آمریکا اطلاق می‌شد. در قرن ۱۹ نیز واژه Ethnic در متون گروهی از نویسندگان معنایی نژادگرایانه داشت. حتی آرتور دو گوینیو و واشه دولاپوژ مفهوم Ethnic را در معنای نژادهای پست‌تر از اروپاییان به کار می‌بردند. «همان». از نظر مارجر «ایده‌های مربوط به گروه قومی و Ethnicity ایده‌های نسبتاً جدیدی هستند و این اصطلاحات تا دهه شصت میلادی در دیکشنری‌های انگلیسی معیار وجود نداشتند^۲ به عبارت بهتر، مفاهیم جدید قوم و قومیت در دهه ۶۰ قرن بیستم و پس از موج سوم تشکیل

۱. برای مطالعه بیشتر ن. ک. کتاب قوم شناسی سیاسی رولان برتون، ترجمه ناصر فکوهی، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۲.
2. For more study: Martin N. Marger, Race and Ethnic Relations. <http://profs-polisci.mcgill.ca/abizadeh/Ethnicity.htmArticle>.

دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره سابق ظاهر شدند. قومیت و قوم‌گرایی در واقع در این زمان در مقابل مفهوم ملیت قرار می‌گرفتند که تبلوری از دولت ملی بود.^۱

بند سوم: اهم تعاریف اندیشمندان از قوم، گروه قومی و قومیت

قوم و قومیت از پرابهام‌ترین واژه‌ها بوده و به همین دلیل تعاریف متعدد و پراکنده‌ای در این موضوع وجود دارد که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. مارتین بالمر معتقد است؛ یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که به صورت «واقعی» یا «احساسی و ادراکی» دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک است. هم‌چنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر؛ خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می‌باشد که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند (Bulmer, 1986: 54).

۲. وبر در تعریف گروه قومی می‌گوید: «گروه‌های انسانی که دارای باوری ذهنی به اجداد مشترک هستند باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد...» (رولان، ۱۳۸۰: ۲۳۵).

۲. فردریک بارث معتقد است: «...جمعیتی که دارای خودمختاری در بازتولید زیستی خود و ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی باشد، درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گردهم آمده باشند، یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند و دارای احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آن‌ها را از دیگران تفکیک کند» (همان).

۳. از نظر مارتین و سولوموز؛ قومیت به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث تاریخی، از سایر گروه‌های اجتماعی که دارای پیوستگی و همبستگی نژادی هستند، متمایزند. (بالمر و سولوموز، ۱۳۸۱: ۱۸).

1. Ibid.

۴. از نظر آنتونی اسمیت قوم عبارت است از: یک جمعیت انسانی مشخص با افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

۵. از نظر برتون، «قوم یک مجموعه اجتماعی تمایز یافته، بسته و پایدار معرفی می‌شود که ریشه‌های خود را در گذشته‌های اسطوره‌ای تصور می‌کنند و عموماً دارای نام، رسم‌ها، ارزش‌ها و زبان مشترک است» (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۵).

بند چهارم: جمع بندی تعاریف و شناخت رویکردها در مورد تعریف قومیت

برای تقسیم‌بندی تعاریف مختلف قوم و قومیت، نظریه‌هایی ارائه شده که با رویکردشناسی، آنها را تحت یک اسلوب منظم درآوردند که به آنها اشاره می‌شود:

۱. اصل گرایان: اصل گرایان قومیت را ناشی از پیوندها و احساس‌های اصیل و حتی ذاتی و طبیعی می‌دانند که فراتر از مقاطع زمانی قرار می‌گیرد که همواره وجود داشته است (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۶). بر این اساس گروه‌های قومی، طبیعی قلمداد شده و عواطف قومی واقعی جلوه می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

۲. رویکرد ابزار گرایي: در این گرایش قومیت یک مفهوم ذاتی و طبیعی و حتی لزوماً یک نوع اشتراک در باورهای ذهنی در درازمدت به حساب نمی‌آید بلکه نوعی وسیله یا ابزار شمرده می‌شود که توسط قدرت‌های سیاسی برای دستیابی به هدف‌های دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این هدف‌ها عمدتاً هدف‌های سیاسی و اقتصادی هستند. (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۶).

۳. ساختارگرایی: ساختارگرایی رهیافت دیگری است که به وسیله سالووسکی بیان شده است. ساختارگرایان قومیت را امری تصادفی و تغییر پذیر می‌دانند که علاوه بر شکل‌گیری آن در فرآیند تاریخ، به وسیله ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، استمرار و انعطاف می‌پذیرد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱).

۴. رویکرد مبتنی بر تمایزات ملموس و عینی (زبان، نژاد و پوشش):

طرفداران این رویکرد دوگروه هستند: گروه نخست بر پیوندهای بیولوژیکی (نژادی) اعضای یک گروه قومی تاکید می‌کنند. گروه دوم متعلق به دوره‌ای است که افسانه تمایز نژادی به فراموشی سپرده شد و در نتیجه تنها بر تمایزات فرهنگی همچون زبان، دین و آرایش (تیپ) ظاهری تاکید می‌گردید. آنتونی اسمیت و هاتچینسون این تمایزات را عینی می‌خوانند. (حسین زاده، ۱۳۸۲: ۴۶).

۵. رویکرد فرهنگ گرا و هویت محور:

این رویکرد را رویکرد ذهنی نیز می‌گویند. طرفداران این رویکرد با رد عامل نژاد، معتقدند؛ هزاران منش اکتسابی و مشترک میان گروه‌های بشری وجود دارد که به گونه‌های مختلف از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند. مانند باورها، روش زندگی، آیین‌ها و غیره که مجموعه این منش‌های مشترک را می‌توان «قوم – فرهنگی» نامید.^۲ به وسیله این منش‌هاست که می‌توان قومی را از قوم دیگر تشخیص داد... این همان چیزی است که آن را به هویت تعبیر می‌کنیم که با توجه به آن‌ها می‌توان فرد را متعلق به یک گروه قومی دانست (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۸۵). در این رابطه تعریف آنتونی اسمیت دارای کاربرد بالایی است.

۶. تعاریف مبتنی بر تلفیق رویکردهای عینی و ذهنی :

با بررسی تعاریف ارائه شده مشخص می‌شود که تعداد قابل توجهی از آن‌ها، به صورت توأمان به مولفه‌های عینی و ذهنی اشاره کرده‌اند.

بند پنجم : شاخص‌های شدت هویت و پیوند قومی یک گروه انسانی

در جمع بندی مفهوم قوم، قومیت، هویت قومی و گروه قومی، می‌توان شاخصه‌هایی مانند ابعاد فرهنگی، مواریت و شناسه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی)

1. Subjective.
2. Ethno-cultural.

اتابکی، ۱۳۷۲ : ۷۰)، ادراک هویت قومی، دلبستگی و تعلق خاطر نسبت به گروه قومی (مقصودی، ۱۳۸۰ : ۲۱) درک و تجربه مشترک از محرومیت مادی، شرایط نامطلوب زندگی، سختی‌ها و به حاشیه رانده شدن‌ها (همان) دفاع از هویت و بقای گروه خویش (پیشین؛ ۲۵) را معیار تمیز آن‌ها از دیگر گروه‌های اجتماعی قرار داد.

جدول سنجش میزان و شدت قومیت

رتبه	شاخص	درجه اهمیت					امتیاز در این شاخص
		خیلی کم ۱	کم ۲	متوسط ۳	زیاد ۴	خیلی زیاد	
۱	نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره ای						
۲	نام مشترک						
۳	سرزمین مشترک						
۴	زبان مشترک و مستقل از دیگر اقوام						
۵	فضاهای مشترک زیستی						
۶	رسوم و آداب مشترک						
۷	ارزش‌های مشترک						
۸	احساس تعلق به یک گروه واحد (هویت گروهی)						
۹	آگاهی نسبت به ریشه‌های تاریخی (هویت تاریخی)						
۱۰	سنت‌ها، باورها، روش زندگی و آیین‌های مشترک						
۱۱	جغرافیای سرزمینی واحد						

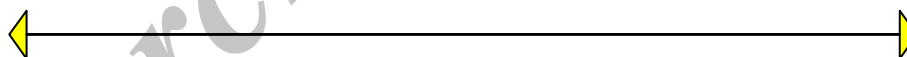
۱	سرنوشت مشترک
۲	
جمع امتیازات	
میزان و شدت در اقلیت بودن	

بند ششم: درجه و شدت قوم‌گرایی

علاقه افراد به قومیت خود دارای شدت متفاوتی است. برخی تنها به قوم خود علاقمند بوده و در مورد سایر اقوام نگرش منفی ندارند و قرار داشتن در کنار اقوام دیگر را پذیرفته‌اند. اما برخی قوم خود را برتر از دیگر اقوام قلمداد نموده و دافعه خاصی در مورد دیگر قومیت‌ها دارند. حتی این نگرش منفی در بعضی موارد به تنفر قومی منجر می‌شود. اگر این احساس قومی در افراد تقویت و به عدم تحمل سایر اقوام و فرهنگها منجر شود، بقای جامعه چند قومی را به خطر خواهد انداخت. آنتونی اسمیت با اعتقاد به این طیفی بودن قوم‌گرایی، یکی از شگردهای ناسیونالیست‌ها را تبدیل طبقات قومی به جوامع قومی و تبدیل جوامع قومی به ملت‌های (ناسیونالیسم) قومی می‌داند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

تبادل‌گرایی و مسالمت

کشمکش و تضاد



پاکسازی قومی ناسیونالیسم قومی و تجزیه طلبی قوم‌مداری قوم‌محوری قوم‌گرایی

بند هفتم: تلفیق مفهوم اقلیت و قومیت و ارائه تعریفی از اقلیت قومی

با توجه به تعریف اقلیت یعنی؛ «گروهی از یک جامعه سیاسی یا دولت-کشور که معمولاً از نظر تعداد کمتر از سایر اعضای جامعه بوده و به سبب عواملی چون قومیت، مذهب، زبان، فرهنگ و... دارای هویتی متمایز از سایر اعضای جامعه هستند، در عرصه‌های مختلف، به

ویژه اداره جامعه به طور موثر و با فرصت یکسان مشارکت و حاکمیت ندارند و ممکن است مورد تبعیض، تحقیر و ستم قرار گیرند» (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۶) و همچنین با در نظر گرفتن تعریف گروه قومی یعنی؛ یک جمعیت انسانی مشخص با افسانه‌های اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (تعریف آنتونی اسمیت)، نتیجه می‌گیریم که اقلیت قومی یک جمعیت انسانی متعلق به یک گروه قومی در یک دولت - کشور است که معمولاً از نظر تعداد کمتر از سایر اعضای جامعه بوده و به سبب دارا بودن شاخص‌های قومیتی، دارای هویتی متمایز از سایر اعضای جامعه هستند، در عرصه‌های مختلف، به ویژه اداره جامعه به طور موثر و با فرصت یکسان مشارکت و حاکمیت ندارند و ممکن است مورد تبعیض، تحقیر و ستم قرار گیرند.

منابع

- اتابکی، تورج. (۱۳۷۲)، «ملیت، قومیت و خودمختاری در ایران معاصر»، فصلنامه گفت و گو، ش ۳.
- اسمیت، آنتونی. (۱۳۸۳)، «ناسیونالیسم (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)»، ترجمه منصور انصاری، مؤسسه مطالعات ملی.
- الطایی، علی. (۱۳۷۸)، «بحران هویت قومی در ایران»، تهران، شادگان.
- بالم، مارتین و سولوموز، جان. (۱۳۸۱)، «مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم»، مؤسسه مطالعات راهبردی ص ۱۸.
- برتون، رولان. (۱۳۸۰)، «قوم شناسی سیاسی»، ترجمه ناصر فکوهی، نشر نی.
- توکلی، فرح، نشریه بنیان ۸۰/۱۲/۲۷
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، «مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم»، مؤسسه مطالعات راهبردی.
- خوبروی پاک، محمدرضا. (۱۳۸۰)، «اقلیت‌ها، شیرازه»، تهران.
- دشتی، تقی. (۱۳۹۰)، «بررسی حقوق اقلیت‌های قومی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- عزیزی، ستار. (۱۳۸۵)، «حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین الملل»، نورعلم.

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰)، «تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها»، موسسه مطالعات ملی.
مقصودی، مجتبی. (۱۳۷۶)، «ناهمگونی جمعیتی و توسعه ملی در ایران (با تاکید بر ناهمگونی
قومی)»، موسسه مطالعات ملی، تهران.

ملایری و حایز. (۱۳۸۰)، «فرهنگ حکومت»، تهران، پنگان.

Martin N. Marger, "Race and Ethnic Relations". <http://profspolisci.mcgill.ca/abizadeh/Ethnicity.htm>Article.

.Murtin Bulmer (1986) "Race and Ethnicity" , In Robert G.Burgess (ed), Key Variable in Social investigation,(London,Boston & Henley:Routledge & Kegan paul, P.54.

Archive of SID